

مقاله پژوهشی - فصلنامه علمی رهیافت

سال سیزدهم، شماره ۴۷، تابستان ۱۳۹۸
صفحه ۱۰۷ تا ۱۳۰

تقابل استراتژی میدان‌های منطقه‌ای در بحران سوریه

محمدرضا عبدالله پور / استاد مدعو واحد علوم و تحقیقات تهران، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی (نویسنده مسئول) r.a.poor312@gmail.com
سیف‌اله آذربوون / دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین‌الملل قشم azarbounlawyer@gmail.com

چکیده

موضوع این تحقیق تقابل هژمونیک سه میدان مسلط منطقه‌ای یعنی ایران، عربستان و ترکیه در راستای منافع منطقه‌ای می‌باشد که بحران سوریه را به عنوان عرصه کنش اهداف منطقه‌ای، قلمداد کرده و درصدد سود حداکثری در آینده سوریه می‌باشند. فرضیه پژوهش با استعانت از راهبرد هژمونیک و تصویرسازی ژئوپلیتیکی میدان‌های مذکور از بحران سوریه و خلق یک برند جدید از ژئوپلیتیک مطمع نظر آنان است که در پاسخ به چگونگی تقابل راهبردی و هژمونیک ایران، عربستان و ترکیه در فضای بحرانی سوریه، می‌باشد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که به چالش کشیده شدن توازن ساختارهای ژئوپلیتیک، دگرگونی و موج‌های جدید دموگرافیک در جغرافیای جمعیتی خاورمیانه، تقویت دو قطبی شیعه - سنی و ظهور تعارضات هویتی و صف‌گیری‌های جدید ژئوپلیتیک از پیامدهای فضای جدید سوریه می‌باشد. به طور کلی این پژوهش، ضمن تحلیل مقایسه‌ای از استراتژی و کدهای ژئوپلیتیکی این میدان‌ها، تقابل راهبردی این کشورها را با روش تحلیلی / توصیفی، ترسیم می‌نماید که نتایج تحقیق نیز که در قالب کدهای ژئوپلیتیکی منطقه‌ای سه کشور در بحران سوریه است، مؤید اثبات فرضیه پژوهش خواهد بود.

کلیدواژه: استراتژی، بحران سوریه، میدان‌های منطقه‌ای، برندسازی ژئوپلیتیک.

تاریخ تأیید ۱۳۹۸/۰۴/۰۸

تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۲/۰۹

این مقاله برگرفته از رساله دکتری آقای آذربوون می‌باشد.

مقدمه

ماهیت آنارشیک خاورمیانه، علت اصلی کسب قدرت در این منطقه می‌باشد. چالش‌ها و تهدیدهای مرزی و هویتی، باعث شده که دولت‌های خاورمیانه‌ای به صورت مستمر قدرت سخت افزاری خود را برای کسب هژمونی افزایش و ضمن افزایش قدرت ملی خود در راستای ناامنی کشورهای دیگر بپردازند. نوعثمانی‌گری و گسترش چتر امنیتی ترکیه و رای مرزهای خود و صدور ایدئولوژی وهابیت در خاورمیانه توسط عربستان سعودی باعث تعمیق بحران و تقابل این دو کشور در سیاستگذاری‌های خود در سوریه شده است. از سوئی، سه کشور عربستان و ترکیه و جمهوری اسلامی ایران کدهای و بینش ژئوپلیتیکی خاص خود را دارند که در ارتباط با وهابیسیم، نوعثمانی‌گری و شیعیسم است. باید عنوان نمود که ترکیه و عربستان و ایران به عنوان میدان‌های غالب منطقه‌ای در سال‌های اخیر با خوانشی جدید از تصویر سازی و کد/بینش ژئوپلیتیکی، درصد کنشگری جدید در غرب آسیایی می‌باشند که عناصر و وقته‌های آن شامل، هویت، تاریخ، قلمرو سازی/زدائی، دولت/ملت سازی، امنیت و منافع ملی، عثمانی‌گرایی، شیعه‌گرایی و سلفیسم جدید، برند سازی هویتی و ژئوپلیتیک می‌باشد. این میدان‌ها همچنین با در اختیار گرفتن سوژه‌های هویتی و ژئوپلیتیک در منطقه آنها را در مدار کارگزاری خود قرار می‌دهند. بحران سرزمینی در سوریه، علاوه بر تعارضات قومی و مذهبی سوریه، موجب رقابت قدرت‌های منطقه‌ای جهت نفوذ در کیفیت سیاسی آینده سوریه شده است. جمهوری اسلامی ایران، ترکیه و عربستان از ابتدای بحران در سوریه با کنش مستقیم و یا با استفاده از کارگزاران خود در صدد تعمیق منافع خود بوده‌اند. از سوئی این کشورها با مدل‌های منطقه‌ای در سالیان اخیر به عنوان مولفه‌های تاثیر گذار منطقه‌ای، سیاست‌هایی را در عرصه سیاسی و نظامی سوریه بوجود آورده‌اند که واجد نقاط تلاقی بسیار می‌باشد. اهداف ژئوپلیتیک، ایدئولوژیک آنها در راستای هژمونی در سوریه و ارتقاء کارگزاران منتسب به آنها طیف وسیعی از نیروهای اسلامی و سکولار را در بر گرفته است. چگونگی و کیفیت هژمونی با استفاده از استراتژی‌های خرد و کلان میدانهای منطقه‌ای، سوال اصلی پژوهش را تشکیل می‌دهد. بنابراین مقاله حاضر، تلاش می‌نماید ابزارها و راهبردهای ایران، ترکیه و عربستان و نقاط تلاقی این راهبردها را برای تاثیر گذاری حداکثری در کشور سوریه، مشخص نماید.

پیشینه تحقیق

-رساله دکتری با عنوان، صلح سازی در دوران پسا اسد (۲۰۱۵) توسط مادکس جاکوب.
این رساله سناریوهای برای دوران پسا اسد و انتقال از جنگ‌های داخلی به فرآیند صلح سازی

را به تصویر می کشد و در این شرایط ، خلق یک محیط امنیتی ، مهندسی دموکراسی ، دستیابی به یک آشتی ملی و از بین بردن موانع یک صلح پایدار در سوریه تقسیم شده مورد بحث قرار می گیرد . دو مبنای نظری تقسیم قدرت و تسهیم قدرت ، پایه های تئوریک این تحقیق را تشکیل می دهد.

- گزارش راهبردی در خصوص خاورمیانه با عنوان مبارزه منطقه ای برای سوریه (۲۰۱۳)، در فصل دوم به نقش ایران در بحران سوریه به عنوان نخستین خط دفاعی بر علیه اسرائیل و در فصل ششم به کردهای سوریه و حمایت حزب کارگران کردستان از حزب دموکراتیک خلق می پردازد.

- گزارشی با عنوان " چگونه تعارضات اخیر آینده سوریه و عراق را شکل می دهد " (۲۰۱۶). این گزارش با تمرکز بر فرقه گرائی و تقسیمات قومی در سوریه بر این اعتقاد است که شورشیان در سوریه قادر به سرنگونگی حکومت نیستند ، ولی در قلمروهای سرزمینی و هویتی سوریه ، تاثیراتی بسزا برای دگرگونی خواهند داشت . این گزارش که در اوج اقدامات داعش، نگاشته شده ، توان این گروه را در آشوب ژئوپلیتیکی، زیاد می داند و از بین گروههای تروریستی تکفیری ، تمرکز خود را بر روی داعش ، می بیند . الگوهای نیرو در سال ۲۰۱۵ و ضعف گروههای غیر جهادی در سوریه مانند ارتش آزاد از نکات مهم دیگر در این گزارش ، می باشد .
-مقاله ای با عنوان " منافع اسرائیل و گزینه های آن در سوریه " (۲۰۱۵) این مقاله به علائق و منافع بسیار متفاوت اسرائیل در سوریه می پردازد . اهداف اسرائیل در سوریه شامل موارد ذیل می شود:

- حداقلی نمودن تاثیر سیاسی و نظامی روسیه
- بودن و ماندن یک اسد ضعیف
- مشروعیت زدائی از ادعای سوریه بر بلندی های جولان
- محدودیت برای میلیشای سنی و نه ضرورتاً داعش

در این گزارش توان اسرائیل برای تاثیر گذاری بر سوریه، محدود و تا کنون نتوانسته، تاثیری برجسته مقاومت و مشخصاً اقدامات ایران در منطقه، بگذارد .

-مقاله ای با عنوان " بازسازی سوریه ، سنجش دیپلماتیک و نظامی " (۲۰۱۷). این مقاله به تلاش اسرائیل برای محدود کردن ایران و کارگزارانش مانند حزب الله در سوریه می پردازد. در این راستا این اقدامات را در سه حوزه سنجش می نماید :

سنجش نظامی: به توان نظامی و استعداد نیرو روسیه و آمریکا و متحدان آنها می پردازد

سنجش دیپلماتیک: تعامل و تقابل آمریکا و روسیه و مطامع سیاسی ایران و ترکیه
 سنجش نقش اسراییل: نحوه تعامل با روسیه و ترس از قدرت یابی ایران در منطقه شامات
 - رساله دکتری با عنوان "انتقال هویت و تعارضات قومی در سوریه" (۲۰۱۶). این رساله
 دکتری در هفت فصل و با استفاده از مدل‌های هویتی و مطالعات تعارض و ستیز به بررسی
 گروه‌های قومی، تعارضات هویتی، دوگانه هویتی عرب / کرد، تعارضات و تقابل بین آنها،
 ترس از اقلیت‌ها از افراط‌گرایی رادیکال سنی، می‌پردازد.
 - مقاله‌ای با عنوان "ساختار سازمانی اپوزیسیون در سوریه" (۲۰۱۳). این مقاله به ساختار
 اپوزیسیون و استعداد نیروی جنگی آنها بر علیه حکومت می‌پردازد. در این گزارش آمار دقیقی
 از جنگجویان ارتش آزاد، داعش، جبهه النصره و سایر گروه‌های مخالف، ایدئولوژی، مانیفست
 و منابع بودجه‌ای آنها به تصویر کشیده شده است.
 - مقاله‌ای با عنوان "معمای امنیتی ایران در خاورمیانه، رویکرد نئورئالیستی به سیاست خارجی
 ایران در سوریه توسط "هازال موسلو البرنی" در سال ۲۰۱۸ به رشته تحریر در آمده است. این
 مقاله در پی اثبات این موضوع است که بر خلاف نگاه‌های رایج، سیاست ایران در خاورمیانه و
 بحران سوریه نه قرائت مذهبی بلکه با نگاهی نئورئالیستی، تبیین می‌گردد.
 - گزارشی با مجموعه مقالات با عنوان "ایران و عربستان، شکل دهی به آینده خاورمیانه"
 مجموعه‌ای از ۸ مقاله در خصوص رویکرد مذهبی، ژئوپلیتیکی و فرقه‌گرایی و استفاده ایران و
 عربستان از این تمغیرها در تفوق بر آینده بحران سوریه.

مبانی نظری

تصویر سازی ژئوپلیتیکی میدان‌های منطقه‌ای در خاورمیانه:

تصویر سازی ژئوپلیتیکی، بازتابی از بینش ژئوپلیتیکی یک کشور است که شامل کدهای
 ژئوپلیتیکی و ماموریت ملی می‌باشد (newman & peters, 2002: 1-4). بینش ژئوپلیتیکی نیز عنصر
 اصلی و تعیین کننده کیفیت تصویر سازی ژئوپلیتیکی است که هدف نهائی آن حفظ پرستیژ و
 تهاجم مشروع می‌باشد (Dijing, 1996: 146). این دو مفهوم اصلی با مفصل بندی خاص، کد
 ژئوپلیتیک را بوجود می‌آورند که این کد به دولت‌ها اجازه می‌دهد که تحلیلی چند بعدی از
 گزینه‌های سیاستی در خارج و داخل را ارائه دهند. بنابراین در این تحقیق، مجموعه‌ای از کد/
 بینش‌های ژئوپلیتیک میدان‌های منطقه‌ای، تصویر سازی ژئوپلیتیکی آن کشور را تشکیل
 می‌دهد که شامل گزاره‌های دینی، قومی، هویتی و تاریخی می‌باشد. تمامی این گزاره‌ها در
 نهایت به استخدام نحله و یا فرآیندی به نام برند سازی ژئوپلیتیک، منجر می‌شود. در حوزه

برند سازی، اندیشمندان فراوانی به خلق مفاهیم پرداخته اند که البته بار مدیریتی داشته و بالطبع چشم انداز، ماموریت، اهداف، ارزش‌ها، اجرا و تحلیل موقعیتی در آنها برجسته می‌باشد. ظهور مدل برند سازی ژئوپلیتیک وابسته به ذینفعان آن می‌باشد چرا که آنها شروع کننده و مدیریت فرآیند برند را بر عهده دارند. مدل برند سازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک می‌باشد، پیش شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک و نوعی ویژه از برند با هدف بازخوانش ژئوپلیتیک و توأم با تعارض و خشونت است (عبداله پور، ۱۳۹۶). این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم بنماید. فراموش نکنیم مدل برند سازی ژئوپلیتیک بر بافت ژئوپلیتیک دولت ملت‌های ضعیف، علیه ساختار و له کارگزارهای جدید و بر روی گسل‌های تمدنی و سرزمینی رخ می‌دهد. کد ژئوپلیتیک، کدهای عینیت یافته و عملیاتی سیاست خارجی دولت‌ها می‌باشند که به سنجش و پایش مکان‌های خارج از قلمرو سرزمینی کشور و بر اساس اولویت‌ها و درجه اهمیت آنها برای منافع خود می‌پردازند. پاسکال، کدهای ژئوپلیتیک را مجموعه‌ای از مفروضه‌های راهبردی می‌داند که کشورها بر اساس آنها به تنظیم سیاست خارجی خود با سایر کشورها پرداخته و در این راستا به مقابله با تهدیدات خارجی و توجیه آنها می‌پردازند (Pascal, 2004:4). در این راستا هر کشوری، کدهای ژئوپلیتیک خاص خود را دارا است. فلینت، شیوه‌ای که یک کشور در جهان با آن به خود جهت می‌دهد را کد ژئوپلیتیک می‌نامد، مادامی که در تعریف کد ژئوپلیتیک، سیاستگذاران، موقعیتشان را در چشم انداز ژئوپلیتیک، احصاء فرصت‌ها و رفع تهدید برای کشورشان می‌دانند (Flint, 2011:55). به گفته فلینت، برای خیلی از کشورها، نگرانی عمده از همسایگان می‌باشد که آیا با آنها دوست هستند یا دشمن. به طور کلی در بحث کد ژئوپلیتیک باید یک چشم انداز جامع در نظر گرفته و مولفه‌های اقتصادی، نظامی، فرهنگی، آموزشی و روابط دیپلماتیک در کنار سیاست در نظر گرفته شود. برای تنقیح چیستی و چرایی کدهای ژئوپلیتیک، مفاهیم کارگزاری ژئوپلیتیک، ساختارهای ژئوپلیتیک و کنش کارگزارها در بافت‌های ژئوپلیتیک باید مشخص گردد (عبداله پور، ۱۳۹۶). مطابق با نظریه دیجکینگ، سطح عمیقی از هم آوایی بین کدها و بینش ژئوپلیتیک یک دولت - ملت به خاطر یک بازشناسی به اشتراک گذاشته شده بین نخبگان سیاست خارجی و توده‌ها در بافت ژئوپلیتیک دولت وجود دارد (Dijkink, 1998). علاوه بر این هر دو مولفه توده و نخبه، موضوعات مکانیزم تحریف اطلاعات در جهان به عنوان پیامدهای سازه‌های اسطوره‌های ملی هستند. ظهور مدل برند سازی ژئوپلیتیک وابسته به ذینفعان آن می‌باشد چرا که آنها شروع کننده و مدیریت فرآیند برند را بر

عهده دارند. مدل برند سازی ژئوپلیتیک که جزء لاینفک مدیریت استراتژیک می‌باشد و پیش شرطی برای دستیابی به اهداف استراتژیک است، نوعی ویژه از برند و با هدف بازخوانش ژئوپلیتیک و توأم با تعارض و خشونت است. این نحله می‌تواند تحلیل جامعی را از شبه دولت‌ها و یا ساختارهای دو فاکتو، ترسیم نماید (عبداله پور، ۱۳۹۶). علاوه بر این باید عنوان نمود که برند سازی ژئوپلیتیک در ارتباط با هژمونی منطقه‌ای قرار دارد. هژمونی، غالباً در ارتباط با دو موضوع به کار می‌رود. اولاً، در ارتباط با یک قدرت مادی برتر و با سلطه در حوزه‌های اقتصادی و نظامی در سطوح جهانی سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در نواحی جغرافیایی خاصی از جهان و ثانیاً، به مثابه یک نظم سیاسی در یک شیوه تفکر که تقلیل دهنده اجبار، سلطه و اشاعه قدرت نرم است (Pays, 2008:7). رئالیست‌ها، هژمونی را در دو مفهوم قدرت فائقه و توانائی استفاده تسلط بر دیگران، دانسته و قدرت نظامی را نیز به عنوان مهمترین ابزار هژمونی، می‌دانند (posen, 2003:6-45). مکتب لیبرالیزم، علاوه بر توجه به اهمیت قدرت مادی مسلط که البته به نظر آنها به تنهایی برای فهم مفهوم هژمونی کافی نیست، بر مکانیزم‌ها و فرآیندهای کیفیت هژمونی نیز تاکید دارند (Schmidt, 2018). البته این نگاه با مکاتبی مانند سازه‌انگاری، مکتب انگلیسی و نئوگرامشین‌ها نیز، همپوشانی دارد. قدرت هژمون، به دنبال ایجاد نظامی هژمونیک و درصدد است که اصول اساسی، هنجارها، و قواعد امنیتی را خود تعیین کند. بر این اساس هژمون از رژیم‌های خود ایجاد کننده حداکثر سود را می‌برد و برای حفظ نظم هژمونیک، کالاهای عمومی را در اختیار بازیگران داخل نظام قرار می‌دهد (honghua, 2004:75). هژمون دارای ابعاد مادی، فرهنگی و سیاسی است، یعنی بازیگری است که از لحاظ ظرفیت اقتصادی دارای وضعیت تفوق آمیز است. در تحلیل مقایسه‌ای قدرت‌های هژمونیک منطقه‌ای، شاخص‌های ذیل برای قدرت‌ها، رکنی اساسی است: (Nolte, 2010:15)

- بخشی از یک منطقه که جغرافیایی، سیاسی و اقتصادی است و حد و مرز مشخصی

دارد

- برای رسیدن به یک موقعیت پیشرو در منطقه، مقاصدی را مفصل بندی می‌کنند
- به صورت قابل توجهی در تحدید حدود ژئوپلیتیک و سازه‌های منطقه تاثیر گذار است
- قدرت منطقه‌ای، منابع ایدئولوژیک، اقتصادی و نظامی را برای پروژه قدرت منطقه‌ای

به نمایش می‌گذارند

- قدرت منطقه‌ای از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در منطقه نفوذ به هم پیوستگی دارد
- دولتی که نفوذ زیادی در امور منطقه‌ای دارد (پامدها و اقدامات)
- اعمال این نفوذ بوسیله ساختارهای حکمرانی منطقه‌ای انجام می‌پذیرد
- در دستور کارهای امنیتی منطقه، تاثیر گذار است
- برای دول منطقه‌ای بویژه قدرت‌های منطقه‌ای، قابل احترام است.
- هژمون منطقه‌ای نه تنها از منافع خود، بلکه تا حدودی از منافع منطقه‌ای نمایندگی می‌کند.

با توجه به مولفه‌های فوق می‌توان گفت دستور کار سیاستی میدان‌های منطقه‌ای در سالیان اخیر در راستای تفوق هژمونیک در منطقه می‌باشد که البته این تفوق نیاز به ابزاری دارد که علاوه بر تعمیق منافع آنها، زاویه‌ای اساسی با سایر میدان‌ها (ایران، عراق و سوریه) و خرده میدان‌های منطقه (حزب الله لبنان، علوی‌های سوریه، PKK, PYD, KRG) نیز داشته باشد. روابط حسنه سیاسی، امنیتی و اقتصادی عربستان و ترکیه بدنبال تحولات بهار عرب و بحران در منطقه مزوپوتامیا بخصوص پس از تصرف حلب، شکست داعش و مناطق امن در سوریه دچار فراز و فروهایی بوده است. مناقشاتی که علاوه بر تفاوت‌های ایدئولوژیک، در بسترهای ژئوپلیتیک منطقه‌ای کشورهای مذکور نمود داشته است. این فضای تقابل ژئوپلیتیک - ایدئولوژیک دو کشور، رقابتی هژمونیک را بر سر مدل‌های حکمرانی و منطقه‌ای میدان‌های مذکور بوجود آورده است که در سیاست‌های منطقه‌ای این کشورها مستتر است. به طوری که می‌توان انتقاد شدید ترکیه به مدل اسلامی و رفرم مدنی در عربستان را در این راستا تحلیل نمود (www.hurriyetdailynews.com, 10 november, 2017). از طرفی جهت کنش موفق در منطقه، این میدان‌ها نیاز به هم آوایی کارگزاران ژئوپلیتیک دارند که گرچه فاقد کنش حداکثری هستند ولی می‌توانند ساختارهای ژئوپلیتیک حاکم بر منطقه را دچار چالش نمایند. این کارگزارهای ژئوپلیتیک که در منطقه اقلیت‌ها و قومیت‌های مختلف را شامل می‌شود، باعث تغییر رفتار ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک ساختارهای ژئوپلیتیک در منطقه می‌شوند.

رقابت‌های ژئوپلیتیکی و خیزش کنش گران غیر دولتی

خیزش کنش گران غیر دولتی فرقه گرای مسلح، یکی از پیامدهای مهم رقابت قدرت‌های منطقه‌ای برای تسلط بر مناطق مورد نزاع در خاورمیانه پس از تهاجم امریکا به عراق بوده است)

46-32:2013, Sallukh). کنشگران مذکور، علاوه بر ابعاد فرقه‌ای، قومی و مذهبی، این بازیگران را به عنوان بازیگران جدید ژئوپلیتیک به مناطق مورد تنش، تحمیل نمود. در این راستا دو نوع متفاوت از کنش گران غیر دولتی نوظهور که در رقابت ژئوپلیتیک، پدیدار گشتند را می‌توان:

بازیگران مسلح محلی که در راستای منافع ژئوپلیتیکی و به عنوان نایبان حامیان منطقه‌ای ظهور و بلافاصله نیز با رفع نیاز حامیان منطقه‌ای از بین می‌روند. مانند گروه‌های مسلح اپوزیسیون در سوریه.

بازیگران دیگر که موکداً واجد اهداف محلی ولی توسط دول منطقه‌ای حمایت می‌شوند و درصد انباشت سرمایه ژئوپلیتیکی بیشتری برای خود می‌باشند. این بازیگران ریشه هویتی در زیست بوم خود داشته و بنابراین مانند گروه اول بیگانه به قلمرو نیستند. می‌توان از حزب الله لبنان و حوثی‌های یمن نام برد.

ازسویی خیزش این کارگزاران در ارتباط با ضعف ساختارهای ژئوپلیتیک در خاورمیانه مرتبط است. در شرایط آنومیک، سوژه‌ها (کارگزار) برای گفتمان (ساختار) تصمیم‌سازی می‌کنند و خلاقیت، نوآوری و اسطوره‌سازی سوژه‌ها از ورای هژمونی و هیمنه گفتمان ظهور می‌یابد. بنابراین و در این نگاه کارگزارهای ژئوپلیتیک با به چالش کشیده شدن ساختارهای ژئوپلیتیک، دست به کنش گری زده و در لحظه کسوف ساختارها نه ساختارهای جدید بلکه کارگزارهای جدید ژئوپلیتیک بوجود می‌آیند (عبداله پور و دیانت، ۱۳۹۵: ۷۰). کنشگران غیر دولتی خاورمیانه به عنوان یک سوژه‌های ژئوپلیتیک به دنبال تحولات خاورمیانه شمالی بر لبه‌های متزلزل ساختارهای ژئوپلیتیک، ایجاد و به عنوان یک کنشگران فعال، ساختار و موقعیت سوژگی ژئوپلیتیک ساختارهای گفتمانی حاکم را دچار چالشی اساسی نموده‌اند. به عبارتی دیگر زمانی که گفتمان‌های مسلط ژئوپلیتیک دچار ضعف می‌شود، زمینه ظهور سوژه ژئوپلیتیک و مفصل بندی‌های جدید فراهم می‌گردد. در واگرایی گفتمان‌های ژئوپلیتیک که توأم با آشوب ژئوپلیتیکی می‌باشد، سوژه ژئوپلیتیک با احساس بحران سرزمینی، تلاش می‌نماید تا از طریق مفصل بندی جدید و تعیین هویت با گفتمانی متفاوت، هویت، سرزمین و فضا - مکان خود را بازسازی نماید (عبداله پور و قادری، ۱۳۹۴: ۱۴۶). در منطقه خاورمیانه فرآیند توأم با جبر و عمودی دولت سازی که توسط ایدئولوژی ناسیونالیستی عرب بوجود آمد، توسط فرآیند دولت سوزی کنش گران غیر دولتی به چالش کشیده شده است. بنابراین به علت ضریب تاثیر کنش

گران غیر دولتی در آینده دولت‌های شکننده عرب می‌تواند دو تالی ذیل را برای آینده این مناطق که مطمع نظر ایران، ترکیه و عربستان نیز می‌باشد، نام برد:

تقاضا برای استقلال بیشتر برای واحدهای محلی که البته این خودمختاری ممکن است نهادینه و منجر به حاکمیت دوزوور در دراز مدت شود.

نوع دولت‌های پس از جنگ که در مناطق مورد مناقشه بوجود می‌آیند ممکن است توسط کنش گران غیر دولتی به دلیل کنترل ایدئولوژیکی و تسلط بر اقتصاد سیاسی، مخدوش گردد. در جدول ذیل سطوح تحلیل و متغیرهای درگیر یعنی ساختارها و کارگزاران و کیفیت سطوح کنش آنها در بحران سوریه ترسیم می‌گردد.

سطوح تحلیل و متغیرهای درگیر در بحران سوریه: (جدول ۱)

ملاحظات	متغیرهای درگیر در بحران سوریه	سطوح تحلیل
ماندن اسد، مخالفت با واگرایی سرزمینی توسط کردها - حمایت از کارگزاری حزب الله	- ایران	ساختار
حمایت از رفتن اسد، بالا رفتن وزن مولفه سنی، مخالفت با هرگونه ارتقاء کردها - حمایت از کارگزاری اپوزیسیون میانه رو و عناصر رادیکال	- ترکیه	
- رفتن اسد (مخالفت حداکثری با حضور ایران) - عدم تصمیم در خصوص حمایت از میانه روها یا سلفیست‌ها مخافت با اخوان - به علت فقدان ظرفیت‌های سیاسی و نظامی، واجد قدرت سلبی	عربستان	
برقراری ساختار فدرال یا کنفدرال (همسو با حزب کارگران کردستان ترکیه) / ابزار تاکتیکی آمریکا در شمال سوریه	- حزب اتحاد دموکراتیک	کارگزار
سقوط بشار، تشکیل امارت اسلامی	- جبهه النصره	

سطوح تحلیل	متغیرهای درگیر در بحران سوریه	ملاحظات
	- ارتش آزاد	سقوط بشار ، تشکیل دولت سکولار و ملی
	حزب الله لبنان	دفاع از مرزهای هویتی تشیع در لبنان / حفظ انسجام در قلمرو مرزی لبنان
	- اخوان المسلمین	کارگزار اصلی ترکیه جهت نفوذ تئوریک و فقهی در مناطق شمالی سوریه
	- جبهه التركمانی	ابزار عملیاتی ترکیه در شمال سوریه / جریان ایدئاتی بر علیه علویون و کردها / خلع ید از حکومت سوریه در مناطق شمالی سوریه / تعمیق فرقه گرایی قومی

ترکیه و بحران سوریه

از آنجا که بحران سوریه ، بیشترین تاثیر را بر کشور ترکیه دارد ، لذا تبار شناسی پارادایم امنیتی این کشور در قالب نو عثمانی گری ، ضرورتی در تحلیل رفتار سیاستی ترکیه در سوریه می باشد . عبدالله پور و حاتمی در مقاله ای با عنوان " قلمروخواهی ترکیه و ژئوپلیتیک سلفی " دلایل کنش سرزمینی ترکیه را نوستالژی ترکیه در منطقه مزوپوتامیا و سوریه می دانند، چرا که در بازه های زمانی مختلف این منطقه حاصلخیز ، جزئی از قلمرو ایدئولوژیک و ژئوپلیتیک آن بوده که ابزار این هژمونی برای ترکیه ، کارگزاری گروه های مسلح مانند ارتش آزاد سوریه ، جبهه النصره ، جبهه التركمانی و تقابل با سایر ساختارها و کارگزاری های ژئوپلیتیک می باشد (عبدالله پور و حاتمی ، ۱۳۹۶). نو عثمانی برای نخستین بار و به طور وسیعی در دهه ۱۹۸۰ میلادی بوسیله دولت تورگوت اوزال در حزب مام میهن و برای نفوذ در حوزه قفقاز و بالکان و حل مشکل کردها از راه تمرکز زدائی و اختیارات بیشتر به کردها ، آغاز شد. بنابراین این گفتمان ، یک واژه به عاریت گرفته شده توسط حزب عدالت و توسعه از حزب مام میهن است که با بهره برداری از پوپولیسم اسلامی و با اضافه نمودن ، صفرنمودن مشکلات با همسایگان در بعد خارجی ، تبدیل به یگ گفتمان غالب در سیاست خارجی ترکیه شد (Unver Noy, 2014:92). بازنمایی نو عثمانی گری ، یک روند سیاسی و فرهنگی در سیاست های داخلی و خارجی ترکیه و در ارتباط با احیاء عامدانه گذشته امپراطوری عثمانی است. در سیاست های داخلی ، نو عثمانی با

هدف تجدید و فرهنگ و سنت عثمانی و مالک شدن اعتماد سیاسی بیشتر در چارچوب امپراطوری عثمانی است که بوسیله حزب عدالت و توسعه با استفاده از سیاست‌های قومی، مذهبی و فرهنگی بخصوص با کردها بود. در بعد خارجی نیز به حداقل رساندن مشکلات با همسایگان با هدف ارتقاء ارتباط موثر با کشورهای همسایه ترکیه بود. نوعثمانی‌گری در ابتدا به مثابه جایگزینی برای ایدئولوژی کمالیست، مطرح شد که عناصر این ایدئولوژی، حفظ انسجام، همانند سازی اقلیت‌های قومی و غربی شدن حداکثری بود. بنابراین می‌توان نوعثمانی‌گری ترکیه را به یک ساختار شبه امپریال برای دسترسی به هویت عثمانی در قلمروهای نفوذ سنتی ترک‌ها، تعبیر نمود (Kagan, 2016:36). نوح ییلماز در مقاله‌ای با عنوان، حداحافظی ترکیه با سیاست صفر کردن مشکلات با همسایگان و نظریه داوود اوغلو که در بولتن شورای اروپا به رشته تحریر درآمده بر این اعتقاد است که ترکیه با شکست در سیاست‌های منطقه‌ای خود، دکتترین اوغلو را کنار گذاشته است (Yilmaz, 2013:67-74). پاسخ به بحران سوریه به آسانی با سیاست عمق استراتژیک و صفر کردن مشکلات، مفصل بندی نمی‌شود. بنابراین تغییر سیاست ترکیه نسبت به سوریه، حمله مستقیم در فضاهاى تجزیه شده سوریه می‌باشد. با این نگاه می‌توان گفت ترکیه با حمایت از اخوان سوریه تحت لوای شورای ملی سوریه و متقاعد نمودن اپوزیسیون گروه‌های مسلح سنی عرب به تساهل بیشتر نسبت به اقلیت‌ها، سیاست جدید خود در سوریه را به پیش می‌برد. همچنین سیاست عمق استراتژیک اوغلو باعث تنش این کشور با سه دولت عراق، ایران و سوریه شده است. مضاف بر این موارد ترکیه با عربستان سعودی در حمایت از نوع اپوزیسیون در سوریه مخالف است. عربستان مخالف شدید اخوان المسلمین در سوریه و طرفدار گروه‌های تندرو سلفی است، در حالیکه ترکیه در حال حاضر در پی ساماندهی گروه‌های میانه رو و متساهل در سوریه می‌باشد (Yilmaz, 2016:71). اخوان سوریه بدنبال سرکوب سال ۱۹۸۲ در شورش حما، سرکوب شد ولی بدنبال بحران سوریه و در پی سیاست کمک‌های مالی خود که به نظر می‌رسد تا ده هزار سمپات داشته باشد، در صدد احیاء خود می‌باشد. گرچه اخوان در سوریه و در بین اپوزیسیون نقشی بسیار ضعیف دارد ولی به نظر می‌رسد با توجه به امکانات مالی خود، نقش تاج بخش را ایفاء نماید، گرچه عربستان به شدت با نضج اندیشه اخوانی در سوریه مخالف است. از سوئی یکی از مناقشات بین ترکیه و عربستان، در خصوص پیکر بندی اپوزیسیون در سوریه می‌باشد. جبهه اسلامی بزرگترین ائتلاف اپوزیسیون سوریه در سال‌های اخیر است که در نوامبر ۲۰۱۳ بوجود آمد. این جبهه با نیروئی بین ۴۰ تا ۶۰ هزار نفر متشکل از گروه‌های مانند احرار الشام، لواء الحق، انصار الشام، جبهه آزادی بخش اسلامی سوریه که متشکل از سه شاخه

ثغور الشام ، جيش السلام و لواء التوحيد است، تشکیل شد (Lang & etc, 2014). هاگان یاووز اعتقاد دارد که نو عثمانی گرائی به ساخت یک ترکیه جدید با وفاداری متعین که نه با هر نوع از ویژگی‌های زبانی و نژادی ، بلکه با یک تجربه تاریخی به اشتراک گذاشته شده با میراث عثمانی و دلبستگی با اسلام ، امید و پیوند دارد (yavuz,1998:23) . این عقیده نیز وجود دارد که نو عثمانی گرائی در جستجوی فهم حداقلی نظامی در داخل ترکیه و استفاده از قدرت نرم ترکیه در سرزمین‌های متعلق به ترکیه است (Tashpinar , 2008:15) . در حقیقت نو عثمانی گرائی ترکیه در منطقه نوعی بازخوانش جدید چند فرهنگ گرائی نوستالژیک گونه ترک‌ها می‌باشد. روابط ترکیه با سوریه در ابتدای دوران بشار اسد رو به توسعه رفت ولی در ابتدای بحران سوریه، ترکیه در ظاهر ، اسد را تشویق به اصلاحات نمود ولی با وخامت اوضاع در سوریه ، ترکیه خواهان تغییر رژیم شد و این موضوع در ابتدای سال ۲۰۱۲ که ائتلاف دوستان سوریه را بوجود آورد و عملاً اجازه سازماندهی به ارتش آزاد سوریه را داد به تغییر رژیم در سوریه ، منجر شد (Akan,2012) . ترکیه در سال‌های اخیر نه تنها نقش مهم ، بلکه بیشترین تاثیر را در ساماندهی نیروهای سنی مخالف اسد ، ایفاء نموده است . گرچه در طرف مقابل اپوزیسیون مدنی غیر اسلامی سیاست‌های ترکیه را در فرقه‌ای نمودن اپوزیسیون و میلیتاریزه نمودن تعارض متهم نموده‌اند. با این نگاه ، ترکیه نقش مهمی را در حمایت از اپوزیسیون سنی و مدیریت تعارض اپوزیسیون سنی در سوریه داشته است (Aita ,27 january 2014) . ترکیه ، تنها از گروه‌هایی حمایت کرده که بر عربی نمودن سوریه و انسجام سرزمینی سوریه بعد از اسد تاکید دارند. در این راستا شورای ملی سوریه با حمایت ترکیه و در شهر استانبول و ترکیه نیز حمایت قاطعی از تشکیل ارتش آزاد سوریه بوجود آورد. با خیزش اپوزیسیون سنی میانه رو و تضعیف ارتش آزاد، ترکیه خود را متعهد به حمایت و همکاری از گروه‌های سلفی و جهادی و مشخصاً، از احرار الشام ، شاخه انشعابی القاعده در عراق و سوریه ، نموده است (Michel & Seufer,2016:79). در حالیکه بقاء رژیم اسد ، دشمن اصلی برای اپوزیسیون سنی سوریه می‌باشد، برای ترکیه کماکان هرگونه خودمختاری و استقلال کردهای سوریه خط قرمز می‌باشد. به عبارتی ، بیشترین دغدغه امنیتی ترکیه نه حضور رژیم اسد بلکه هرگونه خودمختاری و استقلال کردها می‌باشد (Uskowi,2018:11) . مطابق خیلی از گزارش‌ها، ترکیه متهم به حمایت مستقیم و غیر مستقیم از سازمانهای تروریستی است (The Telegraph , March 15,2016) . شواهدی دال بر انتقال ، پشتیبانی، حمایت‌های مالی ، تسهیل فروش نفت و کمک برای استخدام نیروهای سلفیستی توسط ترکیه، می‌باشد. (Philip,http://tinyurl.com) آنکارا

تا ۱۲ جولای ۲۰۱۵، اجازه حملات هوایی را بر علیه داعش به نیروهای امریکائی پایگاه اینجریلیک نداد. حتی پس از کشته شدن تعدادی در حمله تروریستی منطقه سوروج توسط داعش، ترکیه به جای حمله بر علیه داعش، به مواضع حزب کارگران کردستان در سوریه و عراق حمله نمود. به طور کلی در سیاست خارجی ترکیه می‌توان سه دوره مختلف را احصاء نمود:

- حفظ تعادل شکننده بین هویت شرقی و طرفداری از غرب
- بهار عربی، انطباق سیاست‌ها طرفداری از عنصر عرب سنی، رویگردانی منافع با غرب
- چرخش ترکیه به سوی سیاست خارجی دفاع سنتی و فاصله با غرب.

کاگان در گزارش خود با عنوان استراتژی‌های کلان آمریکا و مقابله با داعش و القاعده که در سال ۲۰۱۶ به رشته تحریر در آمده، روش‌ها، اهداف خرد و کلان ترکیه در منطقه خاورمیانه را ترسیم می‌نماید (Kagan, 2016).

روشها، اهداف خرد و کلان ترکیه (جدول ۲)

اهداف کلان ترکیه	اهداف خرد ترکیه	روش‌های ترکیه
-بازآفرینی نقش ترکیه به عنوان یک قدرت مستقل منطقه‌ای در برابر آمریکا و ناتو -بازتاسیس یک قلمرو شبه امپریال تاثیرگذار بر حوزه‌های سرزمینی و قلمروئی امپراطوری عثمانی -ترویج صورت بندی حکومت‌های اسلام سنی در خاورمیانه -دستیابی به جایگاه رهبری جهان اسلام -احیاء عظمت امپراطوری سابق ترک‌ها	-دستیابی به سلطه اقتصادی در خاورمیانه -ترویج و شکل‌گیری صورت بندی دول اسلام سنی در لیبی و سوریه -جلوگیری از ایجاد دولت مستقل در کردستان عراق و هرگونه خود مختاری و مفصل بندی هویت کردی در کردستان سوریه	-حمایت از اخوان المسلمین و جنبش‌های همسو با آن -ارائه کمک‌های نظامی به گروه‌های شورشی اسلام گرا -تقویت روابط اقتصادی با خاورمیانه، آسیای مرکزی و بالکان -ورود به مناقشه اعراب و اسرائیل -امتیاز گرفتن از آمریکا و اروپا در جنگ با سوریه -نبرد با حزب کارگران کردستان به عنوان یک ابر دشمن -تقویت حزب دموکرات کردستان عراق در نبرد با حزب کارگران کردستان

عوامل تاثیر گذار بر کدهای ژئوپلیتیکی ترکیه (جدول ۳)

منطقه ای	ملی
-شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک -نئو عثمانی گرایی (ابعاد ژئوپلیتیکی) -کنش هویتی در میان اقلیت ترک در سوریه و عراق -تولید فضا -سپت ژئوپلیتیکی و قلمروخواهی -تقابل با کارگزاران ژئوپلیتیک -اشاعه مدل حکمرانی ترکی در خاورمیانه	-بازتعریف میراث هویتی آتاترک -استقلال سرزمینی (بلند مدت) -سازه سرزمین ملی ترک‌ها در ترکیه -هژمونی حزبی ، حزب عدالت و توسعه در ترکیه در برابر احزاب جمهوری خواه خلق / حزب حرکت ملی / و احزاب کرد

مدل برند سازی ژئوپلیتیک ترکیه (جدول ۴)

هویت برند	اجرا	کارکرد
-چشم انداز(مام میهن ترک‌های جهان) -ارزش ها(تاریخ ، هویت ، زبان ، نژاد) -نمادها(پرچم ، سرود و...) -اشخاص برند(اردوغان) -تصویر سازی از دشمن(تعارض با میدانها) -ادعای قلمروئی(مناطق منفک شده از عثمانی...	ساختار حکمرانی(جمهوریت نو) -قدرت نظامی -منابع(انرژی، آب و گاز) -ابزارهای ارتباطاتی(ماهواره ، مطبوعات، دیاسپورای ترک در اروپا)	بسیج حامیان و متحدان (پان ترکیسم و جهان سنی) -مرعوب نمودن رقبا

عربستان سعودی و بحران سوریه

با آغاز شورش‌ها در سوریه و سرکوب آن توسط حاکمیت سوریه ، عربستان ضمن محکوم نمودن آن ، سفیر خود را در دمشق فرا خواند (Murir,2011). موضع ضد سوری عربستان در این بازه زمانی ، مقارن با دخالت مستقیم نظامی برای سرکوب جنبش شیعیان در بحرین بود که این موضوع ترس نفوذ ایران را در خاورمیانه برای عربستان و سیاست‌های بعدی آن ، مضاعف

(Kamrava,2012:101-3) و تصمیم عربستان را برای تقلیل محور شیعی در پی داشت (Entousand,2013). از این تاریخ به بعد عربستان سعودی به همراه متحدان خود برای سرنگونی رژیم اسد و متحدان شیعی آن، منبع اصلی تعارضات و کمک‌های مالی به اپوزیسیون سوریه شدند. البته باید عنوان نمود که نقش عربستان تنها به تمرکز تامین منابع مالی به مخالفین نبود، بلکه پیشنهاد تقویت موضع اپوزیسیون سوریه بویژه ائتلاف ملی برای انقلاب سوریه بود (Brti & Guzanky, 2014:28). با این وجود، با توجه به نگاه قلمروخواهانه و ایذائی داعش به سرزمین حجاز، عربستان مخالف تامین مالی داعش و حتی جبهه النصره از مارس ۲۰۱۴، شد بنابراین می‌توان یکی از نگرانی‌های عربستان را در دو گانه ایران/داعش نامید چرا که رشد نفوذ ایران و گسترش داعش هر دو بر علیه امنیت عربستان، تاثیر گذار است. عربستان در سالیان اخیر همیشه بر این اعتقاد بوده که ایران برای بسط نفوذ خود، درصدد بی‌ثبات نمودن منطقه می‌باشد (Rieger,2014). می‌توان عنوان نمود هرگونه کنش عربستان در بحران سوریه، رویکردی ضد ایرانی/شیعی دارد و اصولاً تعارض ترکیه و عربستان به غیر از حوزه گرایش‌ها له یا علیه اخوانی دو کشور و حرکات ایذائی/سلبی عربستان، فاقد نقاط تلاقی تاثیر گذاری است. با این تفاسیر عربستان سعودی به علت مشکلات درونی و حاکمیتی خود و نقش تعارض آمیز در منطقه، دولتی شکننده و یک کشور بی‌ثبات در یک منطقه بی‌ثبات است (Flanchi,2011). از آنجا که سیاست‌های عربستان سعودی در سالیان اخیر علاوه بر بعد ایدئولوژیکی که ذاتی اسلام عربستانی است، بعد ژئوپلیتیکی را نیز شامل می‌شود، لذا، کنشگری عربستان در دو سطح ژئوپلیتیک و ایدئولوژیکی مطرح است. سعودی‌ها همواره سوریه را به خاطر حمایت از خط حزب الله /امل که به زعم آن‌ها سیاست وضع موجود را به خطر انداخته و سرکوب اکثریت سنی این کشور، متهم نموده و آن را یک کد نامنی برای منطقه شامات و هم پیمانان خود در اردن و لبنان می‌دانند، لذا تغییر و سرنگونی حکومت علوی اسد را یک داده اساسی برای سیاست خارجی و پیوستگی ژئوپلیتیک خود می‌دانند. از سوئی رژیم سعودی اعتقاد دارد که ایران در پی بی‌ثباتی و بسط نفوذ خود در مناطق خاورمیانه و جهان عرب است (Rieger, 2014). ساقط شدن نظام اسد و علوی‌های حاکم بر کشور سوریه، ژئوپلیتیک پیوسته نظام سعودی را به دریای مدیترانه وصل می‌نماید، چرا که پیوستگی ژئوپلیتیکی عربستان سعودی با استان سنی نشین انبار و نینوا به مناطق سنی نشین سوریه وصل می‌گردد. علاوه بر این، الگوی رفتار سیاسی و امنیتی عربستان در برخورد با کشورهای منطقه نشان می‌دهد که این بازیگر تلاش دارد تا به عنوان محور ژئوپلیتیکی منطقه‌ای نقش یک پارچه ساز سیاست‌های امنیت، هویت و قدرت را در خاورمیانه عهده‌دار شود.

اهمیت تغییر در سوریه از بعد ژئوپلیتیکی برای عربستان در دو مورد نهفته است، موازنه منطقه‌ای با ایران و مداخلات سوریه در حوزه‌های نفوذ عربستان در لبنان و فلسطین. در خصوص نفوذ عربستان در سوریه و در بحران سال‌های اخیر این کشور باید به ریشه‌های سنتی و قبیله‌ای بین اعراب بدوی سوریه و عربستان اشاره نمود. قبایل ساکن در منطقه البدیعه که ۵۵٪ خاک سوریه را تشکیل می‌دهد، ۴۵٪ جمعیت سوریه را شامل می‌شوند. (Dawn, 2013). اکثریت گروه‌های قبیله‌ای سوریه، شاخه‌هایی زیر-قبیله‌ای سیستم عشایری/قبیله‌ای هستند که ریشه در شبه جزیره عربستان هستند که برای دسترسی به آب و سرزمین‌های حاصلخیز به مناطق شمالی، مهاجرت کرده‌اند (Dokhan, 2015: 16). این قبایل هنوز روابط قبیله‌ای خود را با شبه جزیره عربستان حفظ کرده‌اند. عنصر اصلی در صورت بندی قبیله‌ای در سوریه برقراری سیستم خویشاوندی (kinship) است که حمله به یک فرد، پاسخ گروهی را در پی خواهد داشت که اقدام جمعی نامیده می‌شود و اعضای گروه متعهد به حمایت از یکدیگر هستند. به طوری که می‌توان که اقدام جمعی با توجه به عصیبت قبیله‌ای منجر به خشونت جمعی می‌گردد. رابطه بین قبایل سوری و کشورهای خلیج فارس به صورت سنتی یک نگاه حامی-محور بوده است. عربستان سعودی، همیشه قبیله‌نوا را با حمایت‌های مالی و سیاسی، پشتیبانی نموده است. (Schoel, 2011: 96-113). به طوری که جوانان این قبایل که در کشورهای حاشیه خلیج فارس مشول به کارند یکی از عوامل نضج شورش‌ها در سوریه بوده‌اند. از طرفی عربستان، نسبت به گسترش و تشکیل هلال شیعی و بسط نفوذ ایران از طریق عراق به سوریه و سواحل مدیترانه و لبنان به شدت نگران است. (Imonti, 2014). ناآرامی در سوریه، فرصت مناسبی را در اختیار عربستان قرار داده تا از راه پیوند با قبایل برای تخریب و فروپاشی رژیم اسد و مالاً خلع ید از ایران برای دسترسی به امیال ژئوپلیتیکی، جلوگیری نماید. میان مهمترین این گروه‌ها می‌توان به کنفدراسیون شمر و عنزا که در قرن ۱۸ و ۱۹ از نجد به سوریه مهاجرت کردند اشاره نمود. (Dawn, 2010: 29-49). هر دو این قبایل بعد از ورود به سوریه، مسیرهای اصلی تجارت و بازرگانی بین دمشق-بغداد و دمشق-مکه را کنترل نمودند (Tooth, 2000). رهیافت ژئوپلیتیکی-ایدئولوژیکی، رویکرد اصلی عربستان نسبت به تحولات خاورمیانه در سال‌های اخیر بوده است. به طور کلی سیاست خارجی و امنیتی عربستان در خصوص محیط پیرامونی و حوزه‌های نفوذ منطقه‌ای بر سیاست حفظ وضع موجود استوار است. سیاست حفظ وضع موجود در چارچوب ائتلاف با غرب به عنوان اصلی‌ترین رویکرد امنیتی پادشاهی عربستان تلقی می‌شود. این سیاست، شالوده نگاه عربستان به پویش‌های موجود است و هرگونه ماجراجویی در سطح منطقه و به خصوص در

حوزه پیرامونی خود را تحمل نخواهد کرد. عربستان در دوران سیاست خارجی خود بر اصول ذیل، تکیه نموده است:

- مبارزه با نگرش‌های انقلابی در خاورمیانه
- سیاست حفظ وضع موجود
- قیومیت مذهبی جهان اسلام سنی
- بسط تاثیر گزاری خود در کشورهای همسایه به علت دو قطبی شیعه/سنی بعد از تحولات بهار عربی.

بنابراین تحلیل و انطباق تحولات و بحران‌هایی که در بحرین، یمن و سوریه روی داده است به خوبی می‌تواند موید شاخصه‌های فوق باشد.

روش‌ها، اهداف خرد و کلان عربستان: (جدول ۵)

اهداف کلان استراتژیک عربستان	اهداف خرد استراتژیک عربستان	روش‌های عربستان
ارتقاء قدرت سلفیسم - تقویت حس تعهد آمریکا به متحدان سنتی اش در خاورمیانه - جلوگیری از تشکیل یک ایران هسته ای - توقف خیزش ایران در منطقه - حفظ امنیت داخلی عربستان	- جایگزین نمودن رژیم اسد و خلع ید از ایران در سوریه - عقب نشاندن ایران از سوریه، بحرین و یمن - حفظ اتحاد قوی با دول عرب خلیج فارس	- حمایت مالی از گروه‌های اپوزیسیون در سوریه - حمایت مالی از اردن و مصر - تشکیل جلسات منظم برای اپوزیسیون سوریه تحت یک چتر واحد - خلع ید از ایران در یمن - بسط و گسترش کیفی نیروهای نظامی عربستان

عوامل تاثیر گذار بر کدهای ژئوپلیتیکی عربستان (جدول ۶)

منطقه‌ای	ملی
-شکست در ساختارهای ژئوپلیتیک شیعی -دیپلماسی تهاجمی عربستان -کنش هویتی عربی در خاورمیانه عربی -تولید فضا -هژمونی در شامات و خلع ید از ایران -تقابل با ترکیه و اخوان المسلمین	-بازتعریف و بازخوانش جدید از میراث ال سعود با قرائت جدید -سازه سرزمین ملی اعراب حجازی -سرکوب مخالفان سلمان و سرکوب شیعیان

مدل برند سازی ژئوپلیتیک عربستان : (جدول ۷)

هویت برند	اجرا	کارکرد
-چشم انداز(هژمونی عرب سنی در خاورمیانه) -ارزش‌ها(تاریخ عرب ، هویت عرب، لهجه حجازی) -نمادها(حرمین شریفین ...) -تصویر سازی از دشمن(شیعیان ، سکولاریسم ، اخوان المسلمین) -ادعای قلمروئی(پان عربیسم در لوای ایدئولوژی وهابی).	ساختار حکمرانی(پادشاهی) -قدرت اقتصادی -منابع(انرژی،پتrodلار) -ابزارهای ارتباطاتی(منابع مادی و ایدئولوژیک سلفی)	بسیج حامیان و متحدها(تشکیل ، حمایت و صدور تروریسم تکفیری)

ایران و سیاست‌های منطقه‌ای

یکی از چالش‌های همیشگی سیاست ورزان غربی در خصوص سیاست خارجی ایران این موضوع بوده که رفتار سیاست خارجی ایران ، متأثر از یک نگاه مذهبی / ایدئولوژیک است یا یک رویکرد نئورئالیستی (El Berni, 2018 : 125). با این نگاه می‌توان گفت سیاست خارجی ایران در حال حاضر و با توجه به اصل بقاء در ماهیت آنارشیک ساختار نظام بین الملل به یک رویکرد نئورئالیستی، نزدیک است. در این راستا، حداکثری نمودن قدرت خودیاری از طریق محاسبات استراتژیک در شکل دهی به منافع ملی ، اهمیتی شایان دارد که نمود آن را می‌توان در سیاستگذاری خارجی ایران ، عطف به حوادثی مانند حمله عراق به کویت ، حادثه ۱۱ سپتامبر

، تهاجم آمریکا به عراق در سال ۲۰۰۳ و بهار عربی مشاهده نمود که جملگی ، تبلور یک رویکرد نئورئالیستی است. ریاض ، همیشه تهران را متهم به رویکرد رئالیسم تهاجمی نموده (Sallukh,2013:12,) در حالیکه می توان سیاست های منطقه ای ایران را در مواجهه با تهدیدات منطقه ای و مشخصاً عربستان و اسرائیل را با رویکرد ، رئالیسم تدافعی تحلیل نمود.

از سوئی ، سیاست های منطقه ای ایران در سال های اخیر و در کشورهای عراق و سوریه ، شائبه تغییر در بافت جمعیتی و دموگرافی مناطق مورد مناقشه را ایجاد نموده است . این شائبه با بیان تشکیل هلال شیعی توسط شاه اردن و تئوریزه نمودن سیاستمداران غربی ، شکلی جدی و باعث شیعه هراسی در منطقه خاورمیانه گشت. هنری کسینجر نیز بر این اعتقاد است که بسط پیوند شیعی ایران از تهران به بیروت و خیزش امپراطوری پارس ، تحت لوای ایدئولوژی شیعی ، قرار دارد . اعتقادی که بسیاری با توجه به رویکرد پراگماتیستی ایران آن را یک نگاه سطحی می دانند (Hannan & kaye , 2015:77) . شاید بتوان عنوان نمود، هم راستا با سیاست های اسرائیل ، حضور استراتژیک نیروهای آمریکایی در سوریه و گذرگاه التنف در جنوب سوریه ، بزرگترین محدودیت بر علیه ایران برای دسترسی به کریدور مدیترانه است . در صورتی که تعقیب کریدور مدیترانه برای ایران ، عمیقاً وابسته به معضل دگرگونی است. کریدور ایرانی مدیترانه به مثابه یک هلال شیعی نیاز به یک بازمهندسی دموگرافیک دارد و تغییر در دموگرافی مناطق شمال غرب عراق و شرق سوریه با جمعیت غالب عرب سنی ، مشکلات فرقه ای آینده منطقه را رقم خواهد زد (Balanch,2018:9) . می توان گفت که سیاست خارجی ایران در منطقه ، پر نمودن خلاء قدرت و ایجاد متحدانی قوی و استراتژیک است تا تحمیل هژمونی و تغییر بافت دموگرافیک در منطقه (El Berni, 2018:129) . جمهوری اسلامی ایران ، بحران سوریه را از ابتدا به عنوان یک اتفاق غیر طبیعی که توسط نیروهای خارجی برای تضعیف محور مقاومت بوده ، قلمداد (El Berni, 2018) و غرب را متهم به سیاست های دوگانه در خاورمیانه نموده است (Maltzhan ,2018:54) . از سوئی ، در بسیاری از مقالات منتشر شده توسط پژوهشگران غربی ، ایران ، مصدر تعارض و فرقه گرایی از شروع بحران در سوریه بوده (philip,2018:22) ، ولی می توان خدمات مشاوره ای به سوری ها را در تشکیل دفاع نیروهای مردم سوریه به عنوان یک نیروی فرگیر از مذاهب و قومیت های مختلف را دلیلی بر انکار این نگاه دانست. در همین راستا ، مسعود بارزانی اعلام داشت ، ایران اولین کشوری بود که برای مقابله با داعش به کردهای عراق کمک نمود (Reuters, 27 Aug. 2014) . تهران همچنین با ارسال مشاوران نظامی به نیروهای امنیتی عراق کمک های زیادی نمود (Al Jazeera, 23 Aug.)

Reuters, 19 Sept. 2012). اما سوریه نماد تاثیر ایران در حمایت از متحدان منطقه‌ای خود می‌باشد (Reuters, 19 Sept. 2012).

موسسه شورای اتلانتیک در گزارشی با عنوان "استراتژی در گیرانه ایران در سوریه، تعارض با اسرائیل" حضور ادامه دار در سوریه بویژه در مناطق علوی نشین برای حفظ منافع آتی، حضور دائمی در مرزهای شمالی اسرائیل به عنوان یک موازنه تهدید و حفظ و ایجاد کردور زمینی به سوی لبنان را از مطامع ایران در سوریه می‌داند (Uskowi, 2018: 5-6). در این رابطه مهم‌ترین استراتژی اسرائیل نیز خلع ید از جریان ورود سلاح‌های نظامی به سوریه و به حزب الله می‌داند، گرچه منطقه حائل بین مشاوران نظامی ایران و نیروهای حزب الله با نیروهای اسرائیلی بیش از یکصد کیلومتر می‌باشد ولی اسرائیل این حضور را مهم‌ترین خط قرمز امنیتی خود می‌داند (Ahren, 2018).

روش‌ها، اهداف خرد و کلان ایران (جدول ۸)

اهداف کلان استراتژی ایران	اهداف خرد استراتژی ایران	روش‌های ایران
<ul style="list-style-type: none"> - صدور انقلاب - ایجاد هژمونی انقلابی - خلع ید از آمریکا در خاورمیانه - حذف دولت اسرائیل - شکست تهدید اسلام‌گرایی افراطی برای خود و متحدان - محافظت و بسط شیعی گرائی 	<ul style="list-style-type: none"> - تهدید اسرائیل به حمله - عاجز نمودن اسرائیل در سیاست‌های منطقه‌ای - بازتعریف در شکل حکومت‌های انقلابی - حمایت و بسط متحدان منطقه‌ای - پایان انزوای گرائی چهارنی - حفظ عمق استراتژیک - افزایش مقاومت اقتصادی - چالش با رژیم سعودی- 	<ul style="list-style-type: none"> - حفظ رژیم اسد - حفظ حکومت ضد امیکا و طرفدار ایران در عراق - بسط حمایت نظامی با شبه نظامیان در عراق ف حکومت سوریه - تشکیل سوژه‌های طرفدار ایران در منطقه - توسعه غنی سازی هسته‌ای و برنامه تولید انرژی - ثبات اقتصادی - بسط تجارت انرژی

عوامل تاثیر گذار بر کدهای ژئوپلیتیکی ایران: (جدول ۹)

منطقه‌ای	ملی
<ul style="list-style-type: none"> - شکست در ساختارهای فکری و ژئوپلیتیک جدید و طرفداری از موجودیت ارضی ساختارها -رنالیسم تهاجمی -کنش هویتی شیعی در خاورمیانه 	<ul style="list-style-type: none"> - حفظ ارزشهای انقلاب با تکیه بر تشیع -سازه سرزمین ملی ایران - طرد پلورالسم در شقوق مختلف و اجماع در تمامی حوزه‌ها

	-تولید فضا (کریدور مدیترانه) -هژمونی در شامات و خلع ید از رقبای منطقه‌ای -تقابل با ترکیه و عربستان و اسرائیل
--	---

مدل برند سازی ژئوپلیتیک ایران (جدول ۱۰)

کارکرد	اجرا	هویت برند
بسیج حامیان و متحدها (کمربند شیعی)	ساختار حکمرانی (جمهوریت اسلامی -قدرت جمعیت -منابع (انرژی، نیروی انسانی) -ابزارهای ارتباطاتی (منابع مادی و هویت شیعی ، دیاسپورای ایرانی در آمریکا و اروپا (له یا علیه))	-چشم انداز (ضد هژمونی بر علیه ایران شیعی در خاورمیانه) -ارزشها (تاریخ ایران ، هویت شیعی) -نمادها (عتبات عالیات ...) -تصویر سازی از دشمن (، غرب سکولار ، و هابیت) -ادعای قلمروئی (ندارد).

نتیجه گیری

بحران سوریه، علاوه بر تنش قومی و مذهبی سوریه، باعث صف آرایی میدان‌های مسلط منطقه‌ای جهت نفوذ در آینده سوریه شده است. سه کشور ایران، ترکیه و عربستان با مدل‌های منطقه‌ای در سالیان اخیر به عنوان مولفه‌های تاثیر گذار منطقه‌ای، سیاست‌هایی را در عرصه سیاسی و نظامی سوریه بوجود آورده اند که واجد نقاط تلاقی بسیار می‌باشد. اهداف ژئوپلیتیک، ایدئولوژیک آنها در راستای هژمونی در سوریه و ارتقاء کارگزاران منتسب به آنها طیف وسیعی از نیروهای اسلامی و سکولار را در بر گرفته است. باید عنوان نمود که در بحران سوریه، رویکرد عربستان، سلبی و رویکرد ایران و ترکیه ایجابی است. عربستان برنامه مشخص توسعه‌ای را برای سوریه ندارد و تنها به ایران و بسط نفوذ آن در سوریه ابراز ناراحتی می‌نماید. در حالیکه ترکیه با مرزهای سیاسی خود با سوریه فکر می‌کند. هرگونه قلمروخواهی کردها در سوریه خط قرمز این کشور است. مضاف بر این حتی یک حاکمیت متمرکز قدرتمند عربی در این کشور می‌تواند چالشهای امنیتی آینده ترکیه باشد. بنابراین در حالیکه مدل امنیتی و سیاسی ترک‌ها برای آینده سوریه مشخص است، عربستان تنها با ایجاد بحران و تعمیق ایدئولوژی سلفی می‌تواند برگ برنده‌ای را در آینده سوریه و جلوگیری از نفوذ حداکثری ایران و ترکیه را به خود اختصاص دهد. همانطور که ذکر شد تفکر سیاسی امروز ترک‌ها، یک ساختار شبه امپریال منطقه‌ای رابه ذهن متبادر می‌سازد که این ساختار با تلفیق قدرت نرم/ سخت افزاری ترک‌ها در منطقه قابل رصد است. ورود ترک‌ها به قلمرو کشور سوریه، حکایت از این تفکر دارد. اما در

روابط ترکیه و عربستان، نقش هویت و سیاست بسیار پررنگ است. ترکیه یک هویت چند بعدی دارد، بعد اروپایی، بعد ترکی و بعد اسلامی که بعد از روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه نسبت به گذشته برجسته تر شده است. از سوی دیگر، ترکیه از اسلام معتدل از نوع اخوان المسلمین دفاع می‌کند و به عبارتی این جریان را نمایندگی می‌کند. این موضوع کاملاً در تضاد با هویت مذهبی و عربی عربستان قرار دارد. سعودی‌ها با تبلیغ سلفیسم، وهابیت و رهبری جهان عرب، اساساً خود را از نظر جهان بینی نسبت به اجتماع، سیاست و مذهب در تضاد با ترک‌ها می‌دانند. بعد از به قدرت رسیدن حزب عدالت و توسعه، ترکیه در صدد بود تا به یک بازیگر برتر منطقه‌ای در معادلات استراتژیک منطقه تبدیل شود. به عبارتی اهداف راهبردی ترکیه به نحوی تعیین شده بود که ترکیه تا سال ۲۰۲۰ در منطقه به عنوان بازیگر تاثیر گذار شناخته شود. از طرف دیگر نوع‌ثمنی‌گرایی با تاکید بر تقلیل‌گرایشات کمالیستی / سکولاریستی، به دنبال سیاست خارجی پویا و در قالب قدرت نرم در زمینه نفوذ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ترکیه در کشورهای سابق امپراطوری عثمانی است، اما عربستان به عنوان کشوری که داعیه دار، رهبری جهان اسلام و عرب است، با هژمونی ترک‌ها مخالف است. در خصوص سیاست‌های ایران باید عنوان نمود که در حالیکه بسیاری از کشورهای غربی و منطقه تلاش‌های ایران را برای شکست در ساختارهای تروریستی منطقه مانند داعش را ستوده اند، آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن یعنی اسرائیل و عربستان سعودی با طرح گفتمان شیعه فویبا، ایران را متهم به تعمیق فرقه‌گرایی، گسترش نفوذ شیعیان و طرحی به نام کریدور ایرانی نموده اند. ایران از ابتدای بحران در سوریه بر حفظ انسجام سرزمینی سوریه، مبارزه با هرگونه رادیکالیسم و دخالت عوامل فرامنطقه‌ای، تاکید نموده است. در حالیکه سیاست‌های ترکیه و عربستان در خصوص حکومت بشار، اپوزیسیون میانه رو، ارتش آزاد و گروه‌های سلفیستی، سیاستی مبهم و متناقض بوده و این در حالی است که نقاط تشابه سیاستی ایران و ترکیه تا درجه زیادی همسو و ایران و عربستان متعارض و عربستان و ترکیه، نامشخص بوده است.

منابع و مآخذ:

- عبدالله پور ، محمدرضا . حاتمی ، محمدرضا ، (۱۳۹۶) ، قلمروخواهی سرزمینی ترکیه و ژئوپلیتیک سلفی در بین النهرین ، فصلنامه سیاست جهانی ، ۱۳۹۶
- عبدالله پور ، محمدرضا و قادری ، رحیم (۱۳۹۴) ، سوزگی ژئوپلیتیک حزب کارگران کردستان ترکیه در بین النهرین شمالی ، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام ، زمستان ۹۴
- عبدالله پور ، محمدرضا ، دیانت ، محسن (۱۳۹۵) **دیپلماتیک ساختار ، کارگزار در منازعات ژئوپلیتیکی خاورمیانه** ، انتشارات کلک سیمین ، تهران
- عبدالله پور ، محمدرضا (۱۳۹۶) ، همه پرسی استقلال کردستان عراق ، برند سازی ژئوپلیتیک ، **همشهری دیپلماتیک** ، تیر و مرداد
- عبدالله پور ، محمدرضا ، محسنی ، علی ، رسته ، داوود ، (۱۳۹۶) ، دیاسپورا و خیزش ناسیونالیسم کرد با تاکید بر مدل‌های تعارض ، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال هفتم ، شماره ۱ ، بهار ۹۶
- Berti. B & Yoel Guzansky.K(2014), Saudi Arabia's Foreign Policy on Iran and the Proxy War in Syria: Toward a New Chapter? **Israel Journal of foreign Affairs** VIII : 3 (2014)
- Colin Flint, **Introduction to Geopolitics** (New York: Routledge, 2011), p. 43.
- Dukhan,H (2016). **Tribes and Tribalism in the Syrian Uprising**
- G. Dijkink, **National Identity and Geopolitical Vision. Maps of Pride and Pain.** (London and New York: Routledge 1996) p. 12.
- Iran provided weapons to Iraqi Kurds; Baghdad bomb kills 12', **Reuters**, 27 Aug. 2014.
- Jim Muir, "Saudi Arabia recalls ambassador to Syria," BBC website, August 8, 2011, www.bbc.co.uk/news/world-middle-east-14439303.
- Michael Wahid Hannan and Dalia Dassa Kaye, "The Limits of Iranian Power," **Survival: Global Politics and Strategy** 57, no. 5 (2015).
- Phillips. C. (2018), **Sectarianism as Plan B: Saudi-Iranian identity politics in the Syria Conflict IN Saudi Arabia and Iran** , struggle to shape middle east, foreign policy center , corporation off new York
- Raphael Ahren,A (2018) , **"Israel Rejects**
- Russian offer to keep Iran 100 km from Syrian border,"** Times of Israel, July 23, 2018.
- Salloukh. B. (2018), Sectarianized Geopolitical Contests and the Rise of Armed Sectarian No state Actors, Foreign Policy Centre for their unwavering support of the project. **The Foreign Policy Centre** (FPC Think Tank Ltd)
- Adam Entousand, Sioban Gorman, **"Behind Assad's Comeback, a Mismatch in Commitments."** The Wall Street Journal, December 31, 2013, <http://online.wsj.com/news/articles/SB10001424052702303453004579292543464208138>.
- Anthony Tooth, **The Transformation of a Pastoral Economy: Bedouin and States in Northern Arabia, 1850-1950**, PhD dissertation, (University of Oxford, 2000).
- Balanch,F.(2018), **from the Iranian corridor to the Shia crescent.** Hoover Institute Essay
- By Hardin Lang, Mokhtar Awad, Ken Sofer, Peter Juul, and Brian Katulis September 2014, **Lessons from the Field in the Fight Against ISIS and Assad**,www.Americanprogress.com
- Dijkink, G. 1998. Geopolitical codes and popular representations. **GeoJournal**. 46: 293-299.
- Frederick W. Kagan, Kimberly Kagan, Jennifer Cafarella, Harleen Gambhir, Christopher Kozak Hugo Spaulding, and Katherine Zimmerman(2016), **U.S. Grand Strategy: Destroying ISIS and al Qaeda**,Report Two,_COMPETING VISIONS FOR SYRIA AND IRAQ:
- Hazal Muslu El Berni*(2018), Iran's Security Dilemma in The Middle East: A Neorealist Approach to Iran's Foreign Policy in Syria ,iran calismarali dergisi Iran sent soldiers to fight in Iraq', **Al Jazeera**, 23 Aug. 2014
- Louis Charbonneau, 'Exclusive: **western report—Iran ships arms, personnel to Syria via Iraq**', Reuters, 19 Sept. 2012
- Mehran Kamrava, "The Arab Spring and the Saudi-led Counterrevolution," **Orbis**, LVI:1

(2012), 101–03.

--Nolte. D(2010), how TO COMPARE REGIONAL POWERS : **Analytical concepts and research topics** ,Review of international studies , volume 36 issue 4, 01 November 2010

--Pascal, Venier, (2004), **The diplomatic context:** Britain and International Relations around 1904.

<http://pascal.venier.free.fr/venier2004>

-Pays, Mariam(2008), Developing a Contextually Relevant Concept of Regional Hegemony: The Case of South Africa, Zimbabwe and **“Quiet Diplomacy**, GIGA German Institute of Global and Area Studies /Leibniz-Institut für Globale und Regionale Studien

--Selim Akan, “Main base in Turkey, says rebel Free Syrian Army”, **Hürriyet Daily News**, 30 August 2012, available at www.hurriyetdailynews.com/main-base-in-turkey-says-rebel-free-syrian-army.aspx?pageID=238&nid=28967.

--Selim Akan, “Main base in Turkey, says rebel Free Syrian Army”, **Hürriyet Daily News**, 30 August 2012, available at www.hurriyetdailynews.com/main-base-in-turkey-says-rebel-free-syrian-army.aspx?pageID=238&nid=28967.

-Tashpinar,O(2008). Tukeys Middle east policies , between Neo/ Ottomanism AND Kemalism , Carnegie Middle east center THE MYTH OF AN ANTI-ISIS GRAND COALITION.instituue for study of war , Washington

-Uskowi.N (2018), The Evolving Iranian Strategy in Syria: **A Looming Conflict with Israel**, Atlantic Cuncil, www.AtlanticCouncil.org

-Yavuz, Hakan M., ‘Turkish Identity and Foreign Policy in Flux: The Rise of NeoOttomanism’, **Critique**, (Spring 1998): 19-41.

-Yilmaz.N(2013) , **Turkey : Goodby to Zero Problem with Neighbours**, European Council